

## بررسی تطبیقی استعاره مفهومی زمان در اشعار ناصرخسرو و اخوان ثالث<sup>۱</sup>

فاطمه کوشکی<sup>۲</sup>

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### چکیده

یکی از پیچیده‌ترین مباحثی که نظریه مفهومی با آن روبروست، ماهیت بازنمود زمانی است. همان‌طور که زمان اغلب نمونه‌ای از مفاهیم انتزاعی مطرح است، بررسی اینکه چگونه زمان در نظام مفهومی بشر نمود می‌یابد، منجر به رخداد برخی مسائل مهم در حوزه علوم شناختی شده است. استعاره مفهومی زمان در آثار شاعران قرون مختلف، به صورت‌های متفاوتی بروز یافته است. آشنایی با نوع نگرش و دیدگاه آنها مطمئناً در درک و شناخت ویژگی‌های زبانی و فرهنگی هر دوره کارساز خواهد بود. از این رو پژوهشگر، اخوان ثالث و ناصرخسرو را که به دو دوره زمانی مختلف تعلق دارند، برگزیده و با بررسی آثار *آخر شاهنامه* و *از این اوستای اخوان ثالث و دیوان اشعار ناصرخسرو*، ۱۶۰ استعاره مفهومی در حوزه زمان استخراج کرده که ۱۲ نگاشت‌نام از اخوان و ۱۴ نگاشت‌نام از ناصرخسرو به دست آمد. از بررسی نگاشت‌نام‌های مزبور این نتیجه حاصل شد که نگرش این دو شاعر به زمان در برخی موارد متفاوت و در مواردی نیز مشابه است که می‌توان گفت این تفاوت نگرشی ناشی از تفاوت تجارب واقعی این دو شاعر از دنیای اطراف خود باشد.

**کلیدواژه‌ها:** استعاره مفهومی، زمان، اخوان ثالث، ناصرخسرو.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

یکی از پیچیده‌ترین مباحثی که نظریه مفهومی با آن روبروست، ماهیت بازنمود زمانی است. همان‌طور که زمان اغلب نمونه‌ای از مفاهیم انتزاعی است، بررسی اینکه چگونه زمان در نظام مفهومی بشر نمود می‌یابد، منجر به رخدادهای برخی مسائل مهم در حوزه علوم شناختی شده است. درحالی‌که گذر زمان را حس می‌کنیم، اما نمی‌توانیم جریان زمان را بدون تجربه فیزیکی متوالی واقعی و حتی تغییراتی که زمان با خود به همراه دارد، مشاهده کنیم. از همه مشکل‌تر اینکه هرچند از نظر شمی مفهوم زمان درک می‌شود، واضح نیست که زمان چگونه در سطح مفهومی بازنمود می‌یابد (ایوانز<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳: ۸). درحالی‌که شواهد زبانی نشان می‌دهد که زمان در سطح مفهومی بر حسب تجربه مکانی-فیزیکی سازمان‌دهی می‌شود، اما همچنان تبیین اینکه در ورای ساخت مکانی چه چیزی زمانی است، و اینکه چرا مفاهیم زمانی باید به این شیوه بیان شوند، ناموفق بوده است. یکی از تأثیرگذارترین نظریاتی که در زبان برای واژگانی کردن مفاهیمی چون زمان متمرکز شده است، نظریه استعاره مفهومی لیکاف<sup>۴</sup> و جانسون<sup>۵</sup> (لیکاف، ۱۹۸۷، ۱۹۹۰، ۱۹۹۳؛ لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰، ۱۹۹۹) و نیز پژوهشگرانی چون گیز<sup>۶</sup> (۱۹۹۴)، کووچس<sup>۷</sup> (۲۰۰۰)، سوئیتر<sup>۸</sup> (۱۹۹۰)، ترنر<sup>۹</sup> (۱۹۸۷، ۱۹۹۱، ۱۹۹۶)، لیکاف و ترنر (۱۹۸۹) و ایوانز (۲۰۰۳، ۲۰۰۴، ۲۰۰۵ و ۲۰۱۳) است. به‌طور خاص لیکاف و جانسون این دیدگاه را بسط داده‌اند که به نظر آنها هر گونه فهمی که ما از زمان داریم وابسته به مفاهیم دیگر همچون حرکت، فضا و رویدادها است (لیکاف و جانسون، ۱۹۹۹: ۲۰۷). آنها معتقدند حرکت و مفاهیم مکانی به‌طور استعاری مفاهیم زمانی را می‌سازند. در نتیجه زمان با مفاهیم مکانی ساخته شده و بدین طریق ما می‌توانیم زمان را تجربه کنیم. از این رو مفهوم‌سازی مقدم بر تجربه است. آنها استدلال می‌کنند که هیچ لفظی در مورد زمان وجود ندارد و بدون ساخت استعاری سازمند قادر نخواهیم بود زمان را مفهوم‌سازی و بنابراین تجربه کنیم. چارچوب نظری اتخاذشده در این مقاله، نظرات شناختی ایوانز (۲۰۰۳، ۲۰۰۴، ۲۰۰۵) و (۲۰۱۳) درخصوص مفهوم زمان است که این مفهوم انتزاعی را در دو سطح واژگانی و مدل‌های شناختی تجزیه و تحلیل کرده است. در مورد استعاره زمان و به‌طور کلی مفهوم زمان، تنها دو مورد پژوهش

- 
3. V. Evans
  4. G. Lakoff
  5. M. Johnson
  6. R. Gibbs
  7. Z. Kövecses
  8. E. Sweetser
  9. M. Turner

پیکره‌بنیاد در زبان فارسی انجام گرفته است. گلفام و دیگران (۱۳۸۸) قراردادی یا نوبودن استعارات زمانی را در اشعار فروغ فرخزاد بررسی کرده‌اند و سجودی و قنبری (۱۳۹۱) وجود و کیفیت استعاره زمان به مثابه حرکت در مکان را در قصه‌های کودک در گروه‌های سنی الف، ب و ج طبق نظریه استعاره معاصر لیکاف در چارچوب معناشناسی شناختی مورد بررسی قرار داده‌اند.

پژوهشگران غیرایرانی در مقالات، کتب و رساله‌های فراوانی به مفهوم‌سازی زمان پرداخته‌اند. برخی از این پژوهش‌ها به روش پیکره‌ای و برخی دیگر به صورت تجربی انجام گرفته‌اند. بعضی از این پژوهشگران استعارات مربوط به دو مفهوم زمان و مکان را مورد مطالعه قرار داده‌اند و درصدد یافتن ساختارهای مفهومی مشترک آنها و به‌طور کلی رابطه مفهومی میان این دو مفهوم بوده‌اند (کلارک<sup>۱۰</sup>؛ بورودیتسکی<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۰؛ گنتنر<sup>۱۲</sup>، ایمای<sup>۱۳</sup> و بورودیتسکی، ۲۰۰۲؛ رادن<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۳؛ کرانجک<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۶؛ کاساسانتو<sup>۱۶</sup>، ۲۰۱۰؛ کرانجک و دیگران، ۲۰۱۰؛ لی<sup>۱۷</sup>، ۲۰۱۲؛ کرانجک و دیگران، ۲۰۱۳؛ هومکه<sup>۱۸</sup>، ۲۰۱۳؛ زهو<sup>۱۹</sup> و فان<sup>۲۰</sup>، ۲۰۱۵؛ چن<sup>۲۱</sup>، ۲۰۱۴). از طرف دیگر، پژوهشگران برجسته‌ای چون ایوانز (۲۰۰۳، ۲۰۰۴ و ۲۰۱۳) فوکونیه<sup>۲۲</sup> و ترنر (۲۰۰۶) منحصراً ماهیت زبان‌شناختی زمان را در مدل‌های شناختی غیر از مدل شناختی استعاره مفهومی مطالعه کرده و بر چیستی ساختار مفهومی زبان یعنی ماهیت و ساختار تفکر و به‌طور ویژه به شناخت مفهوم زمان که جنبه‌ای از ساختار مفهومی است، توجه داشته‌اند. پیاتا<sup>۲۳</sup> (۲۰۱۲) طبق مدل شناختی ایوانز به تعابیر زمان ممتد و زمان فشرده در اشعار یونانی پرداخته است. نونیز<sup>۲۴</sup> و سوئیتسر (۲۰۰۶)، الجمعه<sup>۲۵</sup> (۲۰۰۷)، هوانگ<sup>۲۶</sup> و چینگ‌یو<sup>۲۷</sup> (۲۰۰۷)،

10. H. H. Clark
11. L. Boroditsky
12. D. Gentner
13. M. Imai
14. G. Radden
15. A. Kranjec
16. D. Casasanto
17. Ch. N. Li
18. P. Homke
19. Y. Zhou
20. Y. Fan
21. Ch. Chen
22. G. Fauconnier
23. A. Piata
24. R. E. Nunez
25. F. H. Al Jumah
26. M. Huang
27. Sh. Ching-yu

اویدا<sup>۲۸</sup> (۲۰۰۶) و شی<sup>۲۹</sup> (۲۰۰۸) با به‌کارگیری نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون درخصوص مفهوم‌سازی زمان (۱۹۹۹) زبان‌های مختلف از جمله زبان آی‌مارا<sup>۳۰</sup>، انگلیسی و عربی، چینی و انگلیسی و عربی را بررسی کرده و استعاره‌های مفهومی آنها را استخراج کرده‌اند.

بورودیتسکی و دیگران (۲۰۰۰) در پژوهش خود به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش بودند که آیا ویژگی‌های زبان و فرهنگ بر نحوه تفکر افراد در مورد زمان تأثیر دارد. به‌طور خاص اینکه آیا گویشوران انگلیسی‌زبان و ماندری در مورد زمان متفاوت از هم می‌اندیشند. پس از انجام آزمایشاتی بر روی گویشوران هر دو زبان مشخص گردید این گویشوران تفکرشان در مورد زمان با هم فرق می‌کند. گویشوران ماندری به زمان به صورت عمودی فکر می‌کنند.

نگارنده در این پژوهش با بررسی اشعار ناصر خسرو و اخوان ثالث به دنبال پاسخ به این سؤالات است که این دو شاعر مفهوم انتزاعی زمان را در اشعار خود چگونه مفهوم‌سازی کرده‌اند؟ به عبارت دیگر، آیا ناصر خسرو و اخوان ثالث به‌طور یکسان به زمان می‌اندیشند یا متفاوت؟ به همین منظور از بین آثار این دو شاعر *آخر شاهنامه* و *از این اوستای اخوان ثالث و دیوان اشعار ناصر خسرو* مورد بررسی قرار گرفته است و استعاره‌های زمان از آنها استخراج شده و سپس نگاشت‌نام‌های به‌دست‌آمده از تحلیل اشعار دو شاعر از لحاظ بسامد و نوع نگاشت‌نام با یکدیگر مقایسه شده‌اند. شایسته است در خصوص علت انتخاب ناصر خسرو و اخوان ثالث جهت بررسی اشعارشان، گفته شود که شیوه تفکر و سبک شعری آنها تقریباً یکسان است و با وجود تعلق داشتن به دوره‌های زمانی متفاوت، هر دو در اشعار خود از سبک خراسانی استفاده کرده‌اند؛ هرچند اخوان ثالث همواره سعی کرده است صلابت و استواری زبان شعر قدیم خراسانی را حفظ کند و در عین حال با تحولات مکتب نیمایی درآمیزد. ویژگی مشترک دیگر این دو شاعر این است که بیش از آنکه شاعر باشند، اندیشمندانی هستند که باورهای دینی، اجتماعی و سیاسی خود را در چارچوب شعر ریخته و بیان کرده‌اند.

## ۲- ساخت مفهومی زمان

چارچوب نظری مورد استفاده در این پژوهش نظرات ایوانز (۲۰۰۳، ۲۰۰۴، ۲۰۰۵ و ۲۰۱۳) درباره

28. S. Eweida

29. J. Sh. Shie

30. Iymara

مفهوم زمان است. ایوانز (۲۰۰۴: ۷۴۹) اظهار دارد که برای زمان حداقل دو سطح ساخت مفهومی وجود دارد: سطح مفاهیم واژگانی و سطح مدل‌های شناختی.

## ۱-۲- سطح مفاهیم زمانی

در اینجا برخی مفاهیم واژگانی مرتبط با زمان را ارائه می‌دهیم. در ابتدای امر به مفاهیم واژگانی که به طور قراردادی با واژه زمان همراه هستند، پرداخته می‌شود که خود به دو دسته تقسیم می‌شوند: آنهایی که مستقیماً به تجارب زمانی پدیدارشناختی پایه مربوط می‌شوند؛ و آنهایی که ماهیتاً اشتقاقی هستند و با تجارب اجتماعی-فرهنگی<sup>۳۱</sup> ارتباط دارند. ایوانز (۲۰۰۳: ۱۰) دسته نخست را مفاهیم زمانی اولیه و دیگری را مفاهیم زمانی ثانویه نام نهاده است. در پایان این بخش به مفاهیم واژگانی حال، گذشته و آینده خواهیم پرداخت.

### ۱-۱-۲- مفاهیم زمانی اولیه

ایوانز (۲۰۰۳: ۱۰۷) مفاهیم زمانی اولیه را به شرح ذیل برشمرده است:

#### الف) معنای دیرش<sup>۳۲</sup>

از نظر مفهومی این معنا با درازا و بُعد مربوط است و از نظر دستوری با اسامی عام<sup>۳۳</sup> بیان می‌شوند. قابل توجه اینکه معنای دیرش دارای دو گونه است: فشردگی<sup>۳۴</sup> زمانی و دیگری امتداد<sup>۳۵</sup> زمانی که به ترتیب در نمونه‌های (۱) و (۲) توضیح داده خواهند شد:

(۱) وقتی سرگرم هستید، زمان به سرعت می‌گذرد.<sup>۳۶</sup> (فشردگی زمانی)

(۲) وقتی خسته‌اید، زمان به‌کندی می‌گذرد.<sup>۳۷</sup> (دیرش ممتد)

این دو گونه از نظر پدیدارشناسی با تجارب واقعی مرتبط هستند که احساس می‌شود زمان به طور غیرطبیعی با سرعت یا به‌کندی می‌گذرد. آنچه در خوانش این دسته از جملات مشترک است، این است که با اندکی تفاوت به تجربه دیرش زمان مرتبط می‌شود. اما درحالی‌که معنای دیرش زمان

31. socio-cultural experience

32. duration

33. mass noun

34. compression

35. protracted

36. Time flies when you're having fun.

37. Time drags when you're bored.

برحسب صفاتی مانند کوتاهی و بلندی مشخص می‌شوند که به‌طور نظام‌مندی با انواع مختلف رویدادهای حرکتی بسط می‌یابند، مانند نمونه (۳):

3) Time whizzes/speeds/zooms/rushes (by) when you're having fun.<sup>۳۸</sup>

یا نوعی حرکت نامحسوس مانند جمله‌های شماره (۴):

4) (a) The time has sneaked/tiptoeed by/past.

(b) Where has all the time gone?

(c) The time's vanished.

(ب) معنای لحظه‌ای<sup>۳۹</sup>

از دیگر مفاهیم واژگانی زمان، معنای لحظه‌ای است. ویژگی مهم این مفهوم واژگانی این است که یک نقطه زمانی مجزا را بیان می‌کند که این نقطه زمانی برحسب رویدادهای حرکتی خود-محوری بازگو می‌شوند و با افعالی مانند آمدن، رسیدن، نزدیک شدن و مانند این‌ها واژگانی می‌گردند و از نظر دستوری به‌عنوان اسامی قابل شمارش رمزگذاری می‌شوند، مانند مثال (۵):

(۵) زمان تصمیم‌گیری نزدیک است.<sup>۴۰</sup>

(ج) معنای نمونه‌ای<sup>۴۱</sup>

این مفهوم واژگانی زمانی برای نمونه‌ای از یک رویداد، فعالیت، فرایند یا وضعیت خاصی نه یک بازه زمانی مثل معنای دیرش و یا یک نقطه زمانی مجزا به‌کار می‌رود. به نمونه‌های (۶) و (۷) توجه کنید:

(۶) اونیل وقتی به ۶۴٫۴۰ متر در یک جلسه در ملبورن رسید، برای چهارمین بار در زمستان امسال بهبود یافته بود.<sup>۴۲</sup>

(۷) اسب موفق شد پنج مرتبه پرش‌ها را در یک ردیف پشت سر بگذارد.<sup>۴۳</sup>

در هر یک از موارد بالا، زمان به نمونه‌ای خاص، یعنی رخداد یک رویداد یا فعالیت ارجاع می‌گردد.

از نظر باز نمود دستوری، یکی از ویژگی‌های برجسته معنای نمونه‌ای زمان این است که با اعداد اصلی

۳۸- یافتن معادل‌های فارسی در نمونه‌های ۳ و ۴ امکان‌پذیر نبود.

39. moment sense

40. The time for a decision is approaching.

41. instance sense

42. O'Neil improved for the fourth time this winter when he reached 64.40 meters at a meeting in Melbourne.

43. The horse managed to clear the jump 5 times in a row.

یا ترتیبی همراه هستند، مانند نمونه‌های (۶) و (۷).

#### د) معنای رویدادی<sup>۴۴</sup>

معنای رویدادی به یک مفهوم واژگانی مربوط می‌شود که در آن زمان به رویداد مرزی خاصی ارجاع داده می‌شود. یک رویداد مرزی متشکل از رویدادی خاص است که شروع یا پایان چند رویداد پیچیده‌تر را نشان می‌دهد. برای تبیین این مورد به مثال (۸) توجه کنید:

(۸) زمان [= کار] زن جوان نزدیک می‌شود.<sup>۴۵</sup>

در مثال (۸) کلمه زمان به رویداد مرزی خاصی، یعنی آغاز تولد کودک مربوط می‌شود. معنای رویدادی به معنای لحظه‌ای شبیه است؛ بدین معنا که بر حسب رویدادهای حرکتی خود-محوری بسط می‌یابند. نمونه‌های زیر بیانگر این ویژگی هستند:

(۹) الف) زمان مرگش فرا رسیده است.<sup>۴۶</sup>

ب) زمان [= کار] او نزدیک می‌شود.<sup>۴۷</sup>

ایوانز (۲۰۰۴: ۷۴۲) اشاره می‌کند که از منظر دستوری، معنای رویدادی بر خلاف دیگر مفاهیم واژگانی که تاکنون مطرح شدند، با حروف تعریف معین یا نامعین همراه نمی‌شوند.

#### ۲-۱-۲- معنای زمانی ثانویه

معانی که در این بخش ارائه می‌شوند، از منظر پدیدارشناختی نسبت به معانی اولیه چندان اساسی نیستند. به عبارت دیگر، معانی اولیه با توانایی‌های ادراکی و شناختی نزدیک‌ترند. از سویی دیگر مفاهیم ثانویه از ضرورت‌های اجتماعی-فرهنگی ناشی می‌شوند (ایوانز، ۲۰۰۳: ۱۴۳).

#### الف) معنای ماتریسی<sup>۴۸</sup>

در این معنا، زمان پدیده‌ای را مشخص می‌کند که بدون مرز و حد است. در این معنا که گذرای نامحدود دارد و به گونه‌ای مفهوم‌سازی می‌گردد که همه دیگر رویدادها را شامل می‌شود. به همین دلیل بوده که ایوانز (۲۰۰۴: ۷۴۳) از کلمه ماتریس استفاده نموده است. در نتیجه معنای ماتریسی پدیده‌ای را

44. event sense

45. The young woman's time [=labour] approached.

46. His time [=death] has come/arrived.

47. Her time [=labour] is approaching/getting closer.

48. matrix sense

مشخص می‌کند که خود ماهیتی مستقل است یعنی واقعیتهای جدای از رویدادهایی است که شامل آن محسوب می‌شوند. این مفهوم واژگانی در مثال‌های زیر مشهود است:

(۱۰) زمان، به خودی خود و ماهیتاً، بدون ارتباط با هر چیز خارجی جریان مستمر دارد [نیوتن].<sup>۴۹</sup>

(۱۱) زمان جریان دارد/ می‌دود/ می‌رود برای همیشه.<sup>۵۰</sup>

در مثال‌های بالا زمان به یک ماتریس زمانی مربوط است که به‌عنوان زمینه‌ای برای رخداد دیگر رویدادهاست. در مثال شماره (۱۰) که یکی از قوانین ریاضی نیوتن است، زمان مطلق بیان شده است. طبق نظر نیوتن زمان مطلق ماهیتی را ایجاد می‌کند که با رویدادهای بیرونی بی‌ارتباط است. از این رو طبق چنین دیدگاهی، زمان یک پدیده چندلایه است که رویدادهایی را دربردارد و مستقل از رویدادهاست. این چندلایه‌ای دیدن زمان به‌مثابه این است که بیرون از جهان واقع شده‌ایم یا به‌عبارت دیگر، گذر زمان دال بر ماهیتی نامتناهی است که همه رویدادها را دربردارد (ایوانز، ۲۰۰۴: ۷۴۳). یکی از دیدگاه‌های کاملاً معمول در رابطه با مفهوم ماتریسی زمان، بسط معنایی برحسب حرکت است. به‌طور خاص، معنای ماتریسی بر حسب رویدادهای حرکتی بیان می‌شوند که به‌وسیله واحد واژگانی «جریان‌داشتن» نشان داده می‌شوند و با جریان آب در رودخانه و امثال این‌ها پیوند می‌یابد. مثال‌های زیر مبین این مطلب است:

(۱۲) زمان مانند یک جریان در حال نورد همه فرزندان را با خود می‌برد. [اسحاق واتس]<sup>۵۱</sup>

(۱۳) زمان مانند یک رودخانه از حوادث رخ داده ساخته شده است. [مارکوس اورلیوس]<sup>۵۲</sup>

(۱۴) زمان چیزی جز یک جریان رود نیست که من در آن ماهیگیری می‌کنم. [اچ. دی. تورو]<sup>۵۳</sup>

در حالی که دیگر مفاهیم واژگانی زمانی برحسب رویدادهای حرکتی بیان می‌شوند، اما ایوانز (۲۰۰۴: ۷۴۵) بین نوع حرکت هر یک تمایزاتی قائل است. دو معنای جزئی دیرش (فشرده‌گی زمانی و امتداد زمانی) برحسب حرکت سریع یا کند زمان تبیین می‌شوند. معنای لحظه‌ای و رویدادی به حرکت

49. [T]ime, of itself, and from its own nature, flows equably without relation to anything external [Newton].

50. Time flows/runs/goes on forever.

51. Time like an ever-rolling stream bears all its sons away. [Isaac Watts]

52. Time is like a river made up of the events which happen. [Marcus Aurelius]

53. Time is but the stream I go fishing in. [H. D. Thoreau]



خودمحوری مربوط هستند، اما معنای ماتریسی بر خلاف معنای دیرش مبتنی بر حرکت ثابت است و بر خلاف معانی لحظه‌ای و رویدادی بی‌پایان است.

از نظر دستوری، معنای ماتریسی یک اسم عام است که با حرف تعریف نامعین می‌آید و از این لحاظ شبیه به معنای دیرش است.

#### ب) معنای عاملیت<sup>۵۴</sup>

در این معنا زمان بر ما و محیط اطرافمان تأثیر می‌گذارد. به همین دلیل به آن معنای عاملیت می‌گویند. جهت تصریح این مفهوم به مثال زیر توجه کنید:

۱۵) زمان پزشک بزرگی است. [بنیامین دیزرائیلی]<sup>۵۵</sup>

۱۶) زمان بزرگترین مبتکر است. [فرانسیس بیکن]<sup>۵۶</sup>

معنای عاملیت از این نظر منحصر به فرد است که به نظر می‌رسد مانند یک اسم خاص عمل می‌کند و به همین دلیل فاقد حروف تعریف معین یا نامعین است.

#### ج) معنای نظام سنجش<sup>۵۷</sup>

در این معنا، زمان مفهوم واژگانی را تعیین می‌کند که نظام سنجش را نشان می‌دهد. سنجش زمانی ناشی از همبستگی بین رفتار دوره‌ای در دنیای خارج و تجربه انتزاعی ما از مدت زمان است. وقتی که رفتار دوره‌ای با تجربه زمانی درونی همبستگی دارد، آنگاه آن را می‌توان برای نشان دادن زمان به کار برد. از جمله برخی از پدیده‌ها و رویدادها چنین دوره‌های زمانی را نمایش می‌دهند، یعنی نوعی چرخه یا ریتم رفتاری قابل پیش‌بینی. چنین پدیده‌ها و رویدادها برای اندازه‌گیری مدت زمان مربوط بسیار مفیدند. برای نمونه این اصل برای تأیید مفهوم ساعت مورد نظر است. ساعت روز را به بخش‌های یکسان تقسیم می‌کند که اساساً به ساعت و بعداً به دقیقه و ثانیه تقسیم می‌شوند. در ابتدای امر یک نظام سنجش زمانی، مثل ساعت بر مبنای سرعت دوره‌ای اش و شمردن زمانی آن، به وسیله مکان رخداد تعریف می‌شود. جهت تصریح این مفهوم واژگانی زمان، به نمونه‌های ذیل توجه شود:

۱۷) در دهه ۱۸۵۰ زمان راه‌آهن به عنوان استاندارد معرفی شد.<sup>۵۸</sup>

54. agentive sense

55. Time is the great physician. [Benjamin Disraeli]

56. Time is the greatest innovator. [Francis Bacon]

57. measurement-system sense

58. In the 1850s Railway Time was introduced as standard.

۱۸) فراموش نکنید که با شروع فصل تابستان ساعت را جلو ببرید.<sup>۵۹</sup>

حرکت واضح ساعت‌ها، سنتی قدیمی برای سنجش زمان به شمار می‌آید. حرکت عقربه‌های ساعت، یکی از برجسته‌ترین شیوه‌های حرکت است. حرکت واقعی عقربه ساعت به طرف عدد دوازده که نماد ظهر است با عملکرد جاری فرایند سنجش همبستگی دارد. در نتیجه معنای نظام سنجش عمدتاً برحسب رویدادهای حرکتی است که با واحدهای واژگانی مانند نزدیک‌شدن، حرکت‌کردن به، و غیره و با حروف اضافه‌ای که مکان عقربه‌های ساعت را برخلاف چارچوب مفهومی حرکت عقربه‌های ساعت مشخص می‌کنند، همبستگی دارد.

۱۹) ساعت به ۲۳:۰۰ نزدیک است.<sup>۶۰</sup>

۲۰) ساعت یک ربع مانده به هشت است.<sup>۶۱</sup>

#### د) معنای کالای<sup>۶۲</sup>

در این مورد زمان به یک پدیده ارزشمند و بنابراین کالای قابل دادوستد اشاره دارد. نمونه‌های زیر در معنای کالاست:

۲۱) به یاد داشته باشید که زمان پول است. [بنجامین فرانکلین]<sup>۶۳</sup>

در معنای کالایی، زمان برای پدیده‌ای است که ذاتاً ارزشمند است.

#### ۲-۱-۳- مفهوم حال، گذشته و آینده

ایوانز (۲۰۰۳: ۱۹۸) استدلال می‌کند این مفاهیم همانند مفاهیم اولیه واژگانی با واژه زمان مرتبط می‌شود که با تجاربی همراه است که اساساً و ماهیتاً انتزاعی هستند. در زبانی مانند انگلیسی محتوای مفهومی که این مفاهیم را بسط می‌دهد، از محتوای مکانی ناشی می‌شوند که مبتنی بر عدم تقارن جلو/عقب و فیزیولوژی بدن انسان است. در زبان‌های دیگر مانند آیمارا، شواهد مستدلی وجود دارد که مبتنی بر مفهوم‌سازی گذشته و آینده برحسب محتوای دیداری است.

#### ۲-۲- مدل‌های زمانی

سطح دوم ساخت مفهومی زمان در ارتباط با نحوه درک ما از زمان است. این مدل‌ها مشتمل بر مفاهیم

59. Don't forget to move the clocks forward with the start of Summer Time.

60. The time is approaching 11pm.

61. The time is (a) quarter to eight.

62. commodity sense

63. Remember that time is money [Benjamin Franklin].

واژگانی (هم مفاهیم اولیه و هم ثانویه) و نیز الگوهای آنها هستند که در شیوه‌های آنها ممزوج شده‌اند. ویژگی برجسته این مدل‌های شناختی زمان این است که آنها برای ساختاربندی مفهوم زمان برحسب مکان و حرکت در مکان به کار می‌روند. ایوانز (۲۰۰۴: ۷۵۰) دو مدل ارائه کرده است: مدل خود-محوری و مدل زمان-محوری. مدل خود-محوری به دو زیرمجموعه زمان حرکتی و خود-حرکتی تقسیم می‌شود. در زیر به این مدل‌ها و شیوه عملکردشان خواهیم پرداخت.

### ۲-۲-۱- مدل زمان حرکتی

مدل زمان حرکتی شامل امتزاج حداقل یکی از این مفاهیم واژگانی است: حال، آینده، گذشته، معنای دیرش، معنای ماتریسی، معنای لحظه‌ای و معنای رویدادی. این مدل خود-محوری است، یعنی با مکان "خود" که برای تثبیت مکان زمانی مفاهیم زمانی دیگر به کار می‌رود، مرتبط است. علاوه بر این، الگوهای مرتبط با رویدادهای حرکتی با مفاهیم رویدادی، لحظه‌ای و ماتریسی ادغام می‌شوند و بدین طریق مفهوم زمان حرکتی ایجاد می‌گردد. چون زمان آینده در جلوی "خود" قرار دارد، حرکت زمانی به سوی "خود" است مانند این است که زمان به طرف "خود" حرکت می‌کند؛ مانند نمونه زیر:

(۲۲) کریسمس نزدیک است.

### ۲-۲-۲- مدل خود-حرکتی

مفاهیم واژگانی مرتبط با مدل خود-حرکتی با مدل زمان حرکتی مشترک است. تفاوت عمده آنها در این است که مدل زمان حرکتی مربوط به حرکت مفاهیم زمانی است که در آن ادغام شده‌اند، اما در مدل خود-حرکتی الگوهای مربوط به محتوای غیرحرکتی یعنی روابط مکانی موجود است. یکی از ابزارهای قراردادی بسط معنای ماتریسی این است که برحسب یک مسیر خطی است که رویدادها از عرض آن می‌گذرند. این شیوه، منظر زمانی فراهم می‌آورد که در این مدل لحاظ شده است. به مثال زیر توجه کنید:

(۲۳) داریم به کریسمس نزدیک می‌شویم.

### ۲-۲-۳- مدل توالی زمانی

در مدل توالی زمانی (مدل زمان-محوری) مفاهیم واژگانی که قابلیت مفهوم‌سازی دارند، به طور مجزا حضور دارند. بدین معنا که این مدل به رویدادهای زمانی خاص و یا لحظه‌ها مربوط می‌شوند و به ادغام معنای ماتریسی ربطی ندارند. علاوه بر این، از آنجا که این مدل مشتمل بر ادغام مفاهیم حال،

گذشته و آینده نیست، لذا با یک "خود" مرتبط نمی‌شود، بلکه با رویداد زمانی دیگر که در یک توالی رویدادهای زمانی است، ارتباط دارد. ویژگی متمایز این مدل این است که رویدادهای زمانی متنوع که در این مدل ادغام شده و برحسب حرکت زیربنایی مفهوم‌سازی شده‌اند، نوعی توالی ایجاد می‌کنند از این رو به آن توالی زمانی می‌گویند.

## ۲-۴- اساس مفاهیم مکانی برای زمان

مکرراً به این مسئله پرداخته شده که زمان در سطح مفهومی بر حسب تجربه مکانی مانند حرکت از طریق مکان ساختاربندی می‌شود (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰ و ۱۹۹۹؛ ایوانز، ۲۰۰۴). برخی محققین معتقدند ما زمان را بر مبنای حرکت در مکان ساختاربندی می‌کنیم زیرا زمان یک پدیده زمانی است که مبتنی بر تجارب مشهودتر و واقعی‌تر مانند مکان است. به دیگر سخن، ما نمی‌توانیم زمان را به طور واقعی تجربه کنیم؛ اگر زمان چیزی است، اما همواره با ایجاد آن از تجارب اساسی‌تر بروز می‌کند.

## ۳- تحلیل داده‌ها

در پژوهش حاضر مجموعاً ۲۶۰ بیت حاوی استعاره مفهومی زمان یافت شد که ۱۱۰ مورد از اشعار اخوان ثالث و ۱۵۰ مورد اشعار ناصرخسرو بوده است. جهت استخراج استعاره مفهومی زمان از روش‌های ذیل استفاده شده است: ۱- یافتن واژه مرتبط با مفهوم زمان؛ ۲- جستجوی دستی ابیات از درون پیکره؛ ۳- مراجعه به سایت گنجور؛ ۴- جستجوی واژه‌های حوزه مقصد؛ ۵- جستجوی واژه‌های حوزه مبدأ. در ابتدا با استفاده از فرهنگ طیفی (۱۳۸۷) برخی واژه‌های مقصد نظیر لحظه، ساعت، وقت، هنگام، عمر، زمان، زمانه، روزگار، سال، ماه، هفته، دهر، فصول سال، روزهای هفته و غیره مشخص نموده و سپس با استفاده از تحلیل‌های دستی اقدام به استخراج ابیات دربردارنده استعاره مفهومی نمودیم. لازم است ذکر شود که پیکره مورد استفاده در این پژوهش آثار اخوان ثالث (آخر شاهنامه و از این اوستا) و ناصرخسرو (دیوان اشعار) بوده و علاوه بر این پژوهشگر با مراجعه به سایت گنجور، با جستجوی واژه‌های مبدأ و مقصد استعارات مفهومی حوزه زمان را به دست آورده است. در خلال بررسی این ابیات، با حوزه‌های مبدأ متداولی روبه‌رو شده که در مفهوم‌سازی زمان کاربرد داشته‌اند؛ از این رو تصمیم گرفته شد تا از این حوزه‌های مبدأ به عنوان کلیدواژه برای جستجوی ابیات دربردارنده استعاره مفهومی استفاده گردد. برخی از این کلیدواژه‌ها عبارتند از چرخ، دایره، جویبار، تدویر، مایه، سرمایه و غیره. در مرحله بعد، نگاشت‌نام‌ها و مدل‌های زمانی هر یک از موارد استخراج‌شده از هر شاعر

تعیین و بسامدگیری شد، سپس داده‌های به‌دست‌آمده با یکدیگر مقایسه گردید و در نهایت به سؤالات پژوهش که در مقدمه مطرح شده بود، پاسخ داده شد.

### ۳-۱- استعاره‌های مفهومی زمان در اشعار اخوان ثالث

از میان ۱۱۰ بیت حاوی استعاره مفهومی زمان در دو اثر *آخر شاهنامه* و *از این اوستای اخوان ثالث*، ۱۲ نگاشت‌نام یافت شد که در جدول شماره (۱) با درج بسامد رخداد آنها ارائه شده‌اند. همان‌طور که از این جدول مشخص است، بالاترین بسامدها به نگاشت‌نام‌های «زمان انسان است»، «زمان مکان است»، «زمان حرکت است» و «زمان شیء است» اختصاص یافته است. پیش از پرداختن به جزئیات، نمونه‌هایی از هر یک از نگاشت‌نام‌های فوق‌الذکر ارائه می‌گردد.

جدول شماره (۱). نگاشت‌نام‌های اشعار اخوان ثالث

ردیف	نگاشت‌نام	بسامد	ردیف	نگاشت‌نام	بسامد
۱	زمان انسان است	۴۱	۷	زمان ظرف است	۴
۲	زمان مکان است	۲۹	۸	زمان جویبار است	۳
۳	زمان حرکت است	۲۳	۹	زمان پرنده است	۲
۴	زمان شیء است	۱۳	۱۰	زمان خوردنی است	۲
۵	زمان عامل است	۶	۱۱	زمان کاروان است	۲
۶	زمان گیاه است	۵	۱۲	زمان کالا است	۱

\*زمان انسان است.

در نمونه‌های (۲۴)، (۲۷) و (۲۸) زمان دارای ویژگی‌هایی است که منسوب به انسان است: گیج، گول و کوردل، سنگین‌دل، نامرد، مست، پست و هوشیار. در نمونه (۲۵) پاییز هم چون یک انسان خطاب قرار گرفته و با واژه *جان منادا* واقع شده است. یا در نمونه (۲۶)، شیرین‌کاری مخصوص نوع انسان است. زمان در نمونه (۲۸) پا دارد.

(۲۴) روز و شب می‌گشت، یا می‌خفت / این دبیر گیج و گول و کوردل: تاریخ (آخر شاهنامه / میراث)

(۲۵) پاییز جان! چه شوم، چه وحشتناک... (آخر شاهنامه / خزانی)

(۲۶) صبح شیرین‌کار (آخر شاهنامه / آخر شاهنامه)

(۲۷) ای شب سنگین‌دل نامرد (آخر شاهنامه / برف)

۲۸) روزها را همچو مِشتی برگ زرد پیر و پیراری / می‌سپارم زیر پای لحظه‌های پست / لحظه‌های مست، یا هشیار (آخر شاهنامه / قصیده)

※ زمان مکان است.

همان‌طور که از نمونه‌های ذیل مشخص است، زمان می‌تواند فضایی گسترده و یا محدود باشد که حتی دارای گوشه است (نمونه ۳۱). در واقع زمان، بر مبنای پدیده عینی مکان تعبیر شده که برای گویشور زبان به راحتی قابل درک است؛ برخلاف زمان که پدیده‌ای انتزاعی و ناملموس است و شاعر ابیات زیر به خوبی از این سازوکار شناختی بهره برده است.

۲۹) در فضای خیمه آن شب نیز / گفت و گویی بود و نجوایی (از این اوستا / مرد و مرکب)

۳۰) چون مِشتی افسون در فضای شب رها می‌شد (از این اوستا / چگور)

۳۱) این گوشه آن گوشه شب (از این اوستا / ناگه غروب کداملین ستاره)

۳۲) در کوچه‌های چه شب‌های بسیار / تا ساحل سحرگاه سیمگون رفتن (آخر شاهنامه / غزل ۳)

۳۳) دل به یاد بره‌های فربه‌ی، در دشت ایام تهی، بسته (آخر شاهنامه / آخر شاهنامه)

※ زمان حرکت است.

در نمونه‌های ارائه شده با انواع حرکت مواجهیم: افقی، عمودی و چرخه‌ای. البته لازم است اشاره داشته باشیم که از بین حرکات نامبرده، حرکت نوع افقی از لحاظ بسامدشماری بیشتر از دو نوع دیگر است و برای نشان دادن حرکت افقی از افعالی چون آمدن، رفتن، رسیدن و امثال این‌ها استفاده شده است. علاوه بر این به شیوه حرکت نیز در مورد (۳۸) اشاره شده که در آن لحظه‌ها می‌گیرند.

۳۴) پاسی از شب رفته بود و برف می‌بارید (آخر شاهنامه / برف)

۳۵) ای بهار همچنان تا جاودان راه / همچنان تا جاودان بر شهرها و روستاهای دگر بگذر (آخر شاهنامه / پیغام)

۳۶) شب که می‌آید چراغی هست؟ (از این اوستا / منزلی در دوردست)

۳۷) روز رفت و شب فراز آمد (از این اوستا / مرد و مرکب)

۳۸) ای لحظه‌های گریزان (از این اوستا / حالت)

۳۹) سحر برخاست (از این اوستا / صبح)

۴۰) انگار گردنده چرخ زمان را / - این پیر پر حسرت بی‌امان را - از کار و گردش می‌انداخت، مغلوب می‌کرد (از این اوستا/ ناگه غروب کدامین ستاره؟)

\* زمان شیء است.

زمان چیزی است که قابلیت شستشو دارد و می‌تواند کوتاه یا بلند باشد.

۴۱) باده‌ای هست و پناهی و شبی شسته و پیک (آخر شاهنامه/ غزل ۱)

۴۲) سخن بسیار یا کم، وقت بیگاه است/ نگه کن، روز کوتاه است (آخر شاهنامه/ قصه شهر تنگستان)

\* زمان عامل است.

زمان می‌تواند باعث کهنگی، قتل و یا وصل و پیوند گردد.

۴۳) پوستینی کهنه دارم من/ یادگاری ژنده پیر از روزگارانی غبارآلود (آخر شاهنامه/ میراث)

۴۴) تواند باز بیند روزگار وصل (از این اوستا/ قصه شهر سنگستان)

۴۵) از قتل عام هولناک قرنها جسته (از این اوستا/ قصه شهر سنگستان)

\* زمان گیاه است.

زمان درختی است که شاخ و برگ دارد و می‌توان بر آن شاخه‌ها چیزهایی مانند ستاره آویزان کرد.

۴۶) و شاخه‌های عمرتان را ستاره‌باران کنید (آخر شاهنامه/ پیامی از آن سوی پایان)

\* زمان ظرف است.

برای مفهوم‌سازی مقوله زمان از طرح‌واره ظرف استفاده شده که قابلیت پر و خالی شدن دارد.

۴۷) یاد باد ایام سرشار برومندی (آخر شاهنامه/ برف)

۴۸) یک لحظه لحظه‌ها تان تهی مگذارید (آخر شاهنامه/ پیامی از آن سوی پایان)

\* زمان جویبار است.

۴۹) جویبار لحظه‌ها جاری ست (آخر شاهنامه/ چون سبوی تشنه ...)

\* زمان پرنده است.

زمان را می‌توان به‌مثابه پرنده‌ای دانست که بال دارد و می‌تواند پرواز کند (نمونه ۵۰).

۵۰) باده‌ای بود و پناهی، که رسید از ره باد/ گفت با من: چه نشستی که سحر بال گشاد (آخر شاهنامه/

غزل ۱)

\* زمان خوردنی است.

در نمونه‌های ۵۱ و ۵۲ زمان به مثابه خوراکی است که در کام مرداب فرو می‌رود و حتی گرسنگی را برطرف کرده و منجر به سیری می‌شود.

(۵۱) می‌چکد در کام این مرداب عمر اوبار<sup>۶۴</sup> (آخر شاهنامه / مرداب)

(۵۲) اسیری از عبث بیزار و سیر از عمر (از این اوستا / روی جاده نمناک)

\* زمان کاروان است.

(۵۳) دور از گزند و تیررس رعد و برق و باد / وز معبر قوافل ایام رهگذر (آخر شاهنامه / ناژو)

\* زمان کالا است.

زمان در نمونه مورد اشاره آنقدر کالای باارزشی است که آن را به غارت می‌برند و می‌دزدند.

(۵۴) در آن لحظه که می‌پژمرد و می‌رفت، و لختی عمر جاویدان هستی را / به غارت با شتابی آشنا می‌برد و می‌رفت (از این اوستا / در آن لحظه)

گفتنی است که از منظر مدل زمانی که ایوانز سه مدل ارائه کرده بود (رک. بخش ۳-۲)، تحلیل داده‌ها بیانگر این است که در اشعار اخوان ثالث مدل زمان حرکتی بیشترین و بالاترین بسامد را داشته، سپس توالی زمانی و در نهایت خود حرکتی. به جدول شماره (۲) توجه کنید:

جدول شماره (۲). بسامد مدل‌های زمانی مختلف در اشعار اخوان ثالث

مدل زمان حرکتی	مدل توالی زمانی	مدل خود حرکتی
۲۸	۱۱	۲

در مورد مدل زمان حرکتی که در آن زمان حرکت می‌کند و "خود" ثابت است و ناظر بر این حرکت است، به نمونه‌های ذیل توجه کنید:

(۵۵) سپیده سر زد و من خوابم نبرده باز (آخر شاهنامه / چه آرزوها)

(۵۶) چون گذشت از شب دو کوتاه پاس (از این اوستا / مرد و مرکب)

در رابطه با توالی زمانی، بخش‌های متفاوت زمانی متوالیاً ظاهر می‌شوند. نمونه‌های زیر مبین این مطلب

۶۴- عمر اوبار یعنی فروبرنده عمر.



هستند که پس از روز، شب ظهور می‌یابد.

۵۷) روز رفت و شب فراز آمد (از این اوستا/ مرد و مرکب)

در مدل خود-حرکتی، خود به سوی زمان حرکت می‌کند:

۵۸) در کوچه‌های چه شب‌های بسیار/ تا ساحل سیمگون سحرگاه رفتن (آخر شاهنامه/ غزل ۳)

### ۳-۲- استعاره‌های مفهومی زمان در اشعار ناصر خسرو

از تحلیل ۱۵۰ بیت حاوی استعاره مفهومی زمان در قصاید دیوان اشعار ناصر خسرو، ۱۴ نگاشت نام به دست آمد که از میان آنها «زمان حرکت است»، «زمان انسان است»، «زمان شیء است» و «زمان کالا است» به ترتیب بیشترین بسامد رخداد را داشته‌اند.

جدول شماره (۳). نگاشت نام‌های اشعار ناصر خسرو

ردیف	نگاشت نام	بسامد	ردیف	نگاشت نام	بسامد
۱	زمان حرکت است	۵۰	۸	زمان ظرف است	۳
۲	زمان انسان است	۳۵	۹	زمان مرکب است	۳
۳	زمان شیء است	۲۶	۱۰	زمان پرنده است	۲
۴	زمان کالا است	۲۱	۱۱	زمان خوردنی است	۲
۵	زمان مکان است	۸	۱۲	زمان گیاه است	۲
۶	زمان راه است	۶	۱۳	زمان کار است	۱
۷	زمان عامل است	۵	۱۴	زمان پیکان است	۱

\* زمان حرکت است.

ناصر خسرو در اشعار خود زمان را با حرکات متنوعی نشان داده است: چرخشی، دایره‌ای، افقی و عمودی. نکته قابل توجه اینکه از بین حرکات مورد اشاره حرکت دایره‌ای و چرخشی به مراتب بیشتر از سایر حرکات بوده است. ضمناً در کنار این نوع حرکت چرخشی واژه چرخ با واژه‌های زمان باهم آبی داشته است. ضمناً در نمونه ۶۱ شیوه حرکت زمان، یعنی تاختن هم مورد اشاره بوده است.

۵۹) انگار که روز آخر است امروز / زیرا که هنوز نامده است فردا

(قصیده شماره ۸)

۶۰) اجسام ز اجرام و لطافت ز کثافت / تدویر زمین را و تدویر زمان را

(قصیده شماره ۱۲)

۶۱) بر من بیچاره گشت سال و ماه و روز و شب کارها کردند بس نغز و عجب چون بلعجب

(قصیده شماره ۱۸)

۶۲) ای شب تازان چو ز هجران طناب علت خواب و تو را نیست خواب

(قصیده شماره ۱۹)

\*زمان انسان است.

در ابیاتی که مفهوم استعاری زمان با انسان مشخص شده، ویژگی‌های مربوط به انسان از جمله حرف‌زدن، فریب‌دادن، زاده‌شدن، بی‌وفابودن و غیره مطرح بوده است. در مواردی هم به اعضای بدن انسان از جمله پستان و زبان اشاره نموده که این خود بر این دلالت دارد که ناصر خسرو برای زمان جنسیت مؤنث قائل بوده است.

۶۳) از بیشی و کمی جهان تنگ مکن دل با دهر مدارا کن و با خلق مواسا

(قصیده شماره ۱)

۶۴) مخرام و مشو خرم از اقبال زمانه زیرا که نشد وقف تو این کره غبرا

(قصیده شماره ۱)

۶۵) از آنکه در دهش این زمان نهد پستان دگر زمان بستاند به قهر پستان را

(قصیده شماره ۴)

\*زمان شیء است.

زمان چیزی است که ویژگی بزرگی دارد.

۶۶) وانگه این هر دو مقرند که روزی است بزرگ هیچ شک نیست که آن روز مکافات و جزاست

(قصیده شماره ۲۵)

\*زمان کالا است.

زمان به‌مثابه کالایی است ارزشمند که قابلیت سرمایه‌گذاری دارد و حتی می‌توان آن را ذخیره نمود.

۶۷) سرمایه هر نیکی زمان است هر چند که بدمهر و بی‌امان است

(قصیده شماره ۳۶)

۶۸) الفنج کن <sup>۶۵</sup> اکنون که مایه‌داری از منت نصحیت به رایگان است  
(قصیده شماره ۳۶)

۶۹) عمر تو زر است سرخ و مشک او خاک است خشک زر به نرخ خاک دادن کار زیرک‌ساز نیست  
(قصیده شماره ۳۸)

۷۰) عمر پرمایه به خواب و خور بر باد مده سوزن زنگ زده خیره چه خری به کلند؟  
(قصیده شماره ۸۰)

\*زمان مکان است.

در مورد زیر مفهوم زمان به‌مثابه یک فضای محدود (میدان) مفهوم‌سازی شده است.

۷۱) ز میدان‌های عمر خویش بگذشتی و می‌دانی که هرگز باز نائی تو سوی این شهره میدان‌ها  
(قصیده شماره ۹)

\*زمان راه است.

در نمونه شماره (۶۹) زمان راهی است "دراز" که در مسیر خود موانعی مانند "جوی و جر" نیز دارد. در اینجا از طرح‌واره مسیر و مانع استفاده شده است.

۷۲) عمر تو نبینی که یکی راه دراز است دنیاست بدین سر برو عقیبت بدان سر؟  
(قصیده شماره ۹۸)

۷۳) چون رفتن غریب سوی خانه گام گام جوی است و جر بر ره عمرت ز دردها  
(قصیده شماره ۱۴۸)

\*زمان عامل است.

زمان می‌تواند عامل و سبب پیری فرد شود که در نمونه (۷۴)، ناصر خسرو به‌خوبی از این ابزار مفهوم‌سازی استفاده کرده است.

۷۴) چون مرا پیری ز روز و شب رسید نیست روز و شب هما جز عذاب  
(قصیده شماره ۲۲)

\*زمان ظرف است.

ناصر خسرو هم از طرح‌واره ظرف جهت مفهوم‌سازی مقوله انتزاعی زمان بهره برده و آن را به یک "جام یخین" تشبیه کرده است.

(۷۵) مانند یک جام یخین است شبا هنگ بزودده به قطر سحری چرخ کیانیش  
(قصیده شماره ۱۲۶)

\*زمان مرکب است.

زمان در نمونه (۷۶) همچون یک مرکب، عنانی دارد که موجودی دیگر می‌تواند برای کنترلش آن را به دست گیرد.

(۷۶) و گر زمانه به گرگی دهد عنانش را برو ز بهر سلامت سلام باید کرد  
(قصیده شماره ۶۰)

\*زمان پرنده است.

در این نمونه هم عمر به‌مثابه پرنده‌ای است که می‌تواند پرواز کند.

(۷۷) تو نشسته خوش و عمر تو همی پرد مرغ کردار و بر و مرگ نهاده فسخ  
(قصیده شماره ۴۹)

\*زمان خوردنی است.

(۷۸) داند عاقلان جهان کاین کبوتران آب و خورش همی همه از عمر ما خورند  
(قصیده شماره ۶۷)

(۷۹) کنون زینجا هم از رفتن همی ترسی نگشتی سیر از این عمری که اندستی  
(قصیده شماره ۲۵۹)

\*زمان گیاه است.

(۸۰) شاخ شجر دهر غم و مشغله بار است زیرا که بر این شاخ غم و مشغله بار است  
(قصیده شماره ۲۸)

\*زمان کار است.

(۸۱) انجام زمان تو، ای برادر آغاز زمان تو نیست و مبدأ  
(قصیده شماره ۱۵)

✱ زمان پیکان است.

زمان در نمونه (۸۲) تیری است که پدیده‌ای دیگر را هدف خود قرار داده است.

(۸۲) چرا نشانه تیر زمانه کرد چرخ بلند جاهل بیدادگر مرا  
(قصیده شماره ۳)

استعاره‌های مورد بررسی اشعار ناصر خسرو از لحاظ مدل زمانی که ایوانز ارائه کرده بود (رک. بخش ۳-۲)، به شرح جدول شماره (۴) است:

جدول شماره (۴). بسامد مدل‌های زمانی مختلف در اشعار ناصر خسرو

زمان حرکتی	توالی زمانی	خود حرکتی
۴۹	۱۹	۱

مدل زمان حرکتی:

گر نه‌ای مست وقت آن آمد که بدانی سراب را ز شراب

(قصیده شماره ۱۷)

مدل توالی زمانی:

فردات نیامد، و دی کجا شد؟ زین هر سه جزء امروز نیست پیدا

(قصیده شماره ۱۵)

مدل خود حرکتی:

از پس خویشت بداوند همی پیش گامی انسانی که سوی نوروز و گهی زی خزان

(قصیده شماره ۱۷۶)

#### ۴- بحث

از مقایسه تحلیل داده‌های ارائه شده در بخش‌های ۱-۳ و ۲-۳ نتایج ذیل حاصل گردید که در واقع پاسخ سؤالاتی است که در بخش مقدمه به این صورت مطرح شدند: این دو شاعر مفهوم انتزاعی زمان را در اشعار خود چگونه مفهوم‌سازی کرده‌اند؟ به عبارت دیگر، آیا ناصر خسرو و اخوان ثالث به‌طور یکسان به زمان می‌اندیشند؟

الف) تعداد نگاشت‌نام‌های استعارات اشعار اخوان ثالث ۱۲ مورد و اشعار ناصر خسرو ۱۴ مورد بوده است؛

ب) از نظر نوع نگاهت‌نام‌ها، «زمان جویبار است» و «زمان کاروان است» در اشعار اخوان ثالث موجود بوده که در اشعار مورد بررسی ناصر خسرو چنین مواردی یافت نشد؛ در مقابل نگاهت‌های «زمان راه است»، «زمان کار است»، «زمان پیکان است» و «زمان مرکب است» در ابیات مورد بررسی ناصر خسرو وجود داشته که در اشعار اخوان ثالث نبوده‌اند. هرچند این نوع نگرش ناصر خسرو به زمان از نظر مرکب و پیکان‌بودن، اشاره دارد به امکانات موجود آن زمان که مطمئناً نسبت به زمان اخوان ثالث چنین چیزهایی کمتر کاربرد داشته‌اند و این نشان‌دهنده تجارب عینی متفاوت این دو شاعر است که در اشعارشان بازتاب پیدا کرده است.

ج) از منظر نوع حرکت زمان، دو شاعر مزبور دیدگاه‌های تقریباً متفاوتی داشته‌اند؛ بدین معنا که ناصر خسرو حرکت زمان را نوعی حرکت چرخه‌ای می‌دانسته که با اخوان ثالث که عمدتاً حرکت افقی مدنظرش بوده، متفاوت است. شایسته است ذکر شود که این نگرش چرخه‌ای به زمان برمی‌گردد به مفهوم بازگشت فناپذیری که در این مفهوم جهان همواره تکرار می‌شود و به این تکرار خود ادامه می‌دهد. این مفهوم در فلسفه هندوستان و در مصر باستان مطرح بوده است.

## ۵- نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی شیوه مفهوم‌سازی دو شاعر امروز و دیروز از مقوله زمان، نحوه برخورد آنها با آن و نیز شناخت زمینه‌های مشترک انسانی میان آنها بوده است. از این رو آثار *آخر شاهنامه* و *از این اوستای اخوان ثالث و دیوان اشعار ناصر خسرو* مورد بررسی قرار گرفت و مجموعاً ۱۶۰ استعاره مفهومی زمان گردآوری گردید. سپس داده‌های جمع‌آوری‌شده بر اساس مباحث مطرح در بخش چارچوب نظری، تحلیل شدند. از تجزیه و تحلیل داده‌ها این نتیجه حاصل شد که ناصر خسرو و اخوان ثالث از سازوکار شناختی استعاره و نیز طرح‌واره‌های تصویری در راستای مفهوم‌سازی پدیده انتزاعی زمان استفاده کرده‌اند. ناصر خسرو و اخوان ثالث در مواردی استعاره‌های مفهومی مشابهی برای عینیت‌بخشیدن به مفهوم زمان به کار برده‌اند؛ از جمله اینکه هر دو شاعر، زمان را به‌مثابه شیئی در حال حرکت در مسیری مفهوم‌سازی کرده‌اند و از سوی دیگر، در موارد جزئی نیز تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود؛ به‌عنوان مثال می‌توان به شیوه حرکت مفهوم زمان اشاره کرد که ناصر خسرو در اکثر موارد آن را نوعی حرکت مدور می‌دانسته، در حالی که اخوان ثالث به حرکت افقی اعتقاد داشته است. این امر به شیوه تفکر ناصر خسرو در خصوص مفهوم زمان دلالت دارد که از تجربیات فردی و فرهنگ غالب در دوره حیات وی متأثر است. این تفاوت‌های مفهوم‌سازی نمونه‌ای از تفاوت‌های درون‌فرهنگی است که

بافت فرهنگی هر یک از شاعران بر شیوه مفهوم‌سازی شاعر مزبور تأثیر گذاشته و منجر به ایجاد الگویی متفاوت از دیگری برای بیان مفهوم ناملموس زمان شده است. نتیجه این پژوهش بر این ایده صحه می‌گذارد که بافت فرهنگی به مفاهیم و قوانین حاکم بر یک فرهنگ اشاره دارد و محیط مادی و طبیعی باعث ایجاد فرهنگ می‌گردد.

### منابع

- اخوان ثالث، مهدی (۱۳۳۸). *آخر شاهنامه*. تهران: زمان.
- (۱۳۶۰). *از این اوستا*. تهران: مروارید.
- سجودی، فرزانه و زهرا قنبری (۱۳۹۱). بررسی معناشناختی استعاره زمان در داستان‌های کودک به زبان فارسی گروه‌های سنی (الف، ب، ج). *فصلنامه علمی-پژوهشی نقد ادبی*، سال ۵، شماره ۱۹، ۱۳۵-۱۵۶.
- فراروی، جمشید (۱۳۸۷). *فرهنگ طیفی (طبقه‌بندی طیف واژگان فارسی)*. تهران: هرمس.
- گلفام، ارسلان، عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا و سیما حسندخت فیروز (۱۳۸۸). استعاره زمان در شعر فروغ فرخزاد از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی. *فصلنامه علمی-پژوهشی نقد ادبی*، سال ۲، شماره ۷، ۱۲۱-۱۳۶.
- ناصر خسرو (۱۳۸۹). *دیوان اشعار*. ناشر چاپی: نسخه خطی، ناشر دیجیتال: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.

- Aljumah, F. H. (2007). *A Comparative Study of Metaphor in Arabic and English General Business Writing with Teaching Implications*. Dissertation in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor Philosophy. Indian University Pennsylvania.
- Boroditsky, L. (2000). Metaphoric Structuring: Understanding Time through Spatial Metaphors. *Cognition*, 75(1), 1-28.
- Casasanto, D. (2010). Space for Thinking. In: B. K. Bergen, V. Evans & J. Zinken (Eds.), *Language, Cognition and Space*, (pp. 453-478). London: Equinox.
- Chen, C. (2014). A Contrastive Study of Time as Space Metaphor in English and Chinese. *Theory and Practice in Language Studies*, 4(1), 129-136.
- Clark, H. H. (1973). *Space, Time, Semantics, and the Child*. In: T. Moore (Ed.), *Cognitive Department and the Acquisition of Language*, (pp. 27-63). New York: Academic Press.
- Evans, V. (2003). *The Structure of Time: Language, Meaning and Temporal Cognition*. John Benjamin publishing Company: Amesterdam/Phialdephia.
- (2004). How we Conceptualize Time: Language, Meaning and Temporal Cognition, *Essays in Art Sand Sciences*, VOL. XIII. Retrived from: <http://www.vyvevans.net/EAStime.pdf>.
- (2005). The Meaning of Time: Polysemy, the Lexicon and Conceptual Structure. *Journal of Linguistics*, 41(1), 33-75.
- (2013). Temporal Frames of Reference. *Cognitive Linguistics*, 24(3), 393-435.

- Eweida, S. (2006). *The Realization of Time Metaphors and the Cultural Implications: An Analysis of Quran and English Quranic Translations*. Special Project Pk Linguistics, Sotckholm University.
- Fauconnier, G. & M. Turner (2006). Rethinking Metaphor. In: R. Gibbs (Eds.) *Cambridge Handbook of Metaphor and Thought*. Cambridge University Press.
- Gibbs, R. J. (1994). *The Poetics of Mind: Figurative Thought, Language, and Understanding*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Gentner, D., M. Imai & L. Boroditsky (2002). As Time Goes by: Evidence for Two Systems in Processing Space-Time Metaphors. *Language and Cognitive Processes*, 17(5), 537-565.
- Homke, P. (2013). Reversing the Direction of Time: Does the Visibility of Spatial Representations of Time Shape Temporal Focus? *Nijmegen CNS*, 8(1), 40-54.
- Hsin-mei Huang, M. & S. Ching-yu Hsieh (2007). Time-Moving Metaphors and Ego-Moving Metaphors: Which is Better Comprehended by Taiwanese? *The 21<sup>st</sup> Pacific Asia Conference on Language, Information, and computation*, Seoul National University.
- Kövecses, Z. (2000). *Metaphor and Emotion*. Oxford: Oxford University Press.
- Kranjec, A. (2006). *Extending Spatial Frames of Reference to Temporal Concepts: An Embodied Perspective*. Doctoral Dissertation, City University of New York.
- , E. R. Cardillo, G. L. Schmidt & A. Chatterjee (2010). Prescribed Spatial Prepositions Influence How we Think about Time. *Cognition*, 114, 111-116.
- , M. Lehet and A. Chatterjee (2013). Space and Time are Mutually Contagious in Sound. In: M. Knauff, M. Pauen, N. Sebanz & I. Wachsmuth (Eds.), *Proceedings of the Thirty-Fourth Annual Conference of the Cognitive Science Society*.
- Lakoff, G. (1987). *Women, Fire and Dangerous Things: What Categories Reveal about the Mind*. Chicago, IL: Chicago University Press.
- Lakoff, G. (1990). The Invariance Hypothesis: Is Abstract Reason based on Image Schemas? *Cognitive Linguistics*, 1, 39-74.
- (1993). The Contemporary Theory of Metaphor. In: A. Ortony (Ed.), *Metaphor and Thought* (2nd ed.), (pp. 202-251). Cambridge: Cambridge University Press.
- & M. Johnson (1980). *Metaphors we Live by*. Chicago, IL: Chicago University Press.
- & M. Johnson (1999). *Philosophy in the Flesh: The Embodied Mind and its Challenge to Western Thought*. New York: Basic Books.
- & M. Turner (1989). *More than Cool Reason: A Field Guide to Poetic Metaphor*. Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Li, C. N. (2012). Whorfian Hypothesis and Language Complexity: Perspective from the Diachronic Development of the Chinese Spatial Metaphor for PAST and FUTURE. Retrived from: [Lacitao.vjf.cnrs.fr/la-recherche/conference-en.htm#a2012](http://Lacitao.vjf.cnrs.fr/la-recherche/conference-en.htm#a2012).
- Nunez, R. E. & E. Sweetser (2006). With the Future Behind them: Convergent Evidence from Aymara Language and Gesture in the Cross-Linguistics Comparison of Spatial Construals of Time. *Cognitive science*, 30, 401-450.
- Piata, A. (2012). Time at the Interface of felt Experience and Social Rhythms: Temporal Construals in Modern Greek Poetry. *Selected Papers from UK-CLA Meetings*, Vol 1, 361-384. Retrived from: <http://www.uk-cla.org.uk/files/proceedings/Piata.pdf>



- Radden, G. (2003). *The Metaphor Time as Space across Languages*. *Zeitschrift für Interkulturellen Fremdsprachenunterricht*, 8(2), 226-239.
- Shie, J. Sh. (2008). Conventionality and Novelty of Time Metaphor in English Poetry, *Concentric: Studies in Linguistics*, 34(2), 101-122.
- Sweetser, E. (1990). *From Etymology to Pragmatics: Metaphorical and Cultural Aspects of Semantic Structure*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Turner, M. (1987). *Death is the Mother of Beauty: Mind, Metaphor, and Criticism*. University of Chicago Press.
- (1991). *Reading Minds: The Study of English in the Age of Cognitive Science*. Princeton University Press.
- (1996). *The Literary Mind: The Origins of Thought and Language*. Oxford University Press.
- Zhou, Y. & Y. Fan (2015). A Contrastive study of Temporal-Spatial Metaphor between Chinese and Americans. *Theory and Practice in Language studies*, 5(1), 119-123.





شرویش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتمال جامع علوم انسانی